

بررسی فقهی و حقوقی نگهداری حیوانات در آپارتمان با رویکردی تطبیقی به قوانین سایر کشورها

ابوالفضل عرب زاده^۱

^۱گروه علوم قضایی، دانشکده حقوق و علوم قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده. یکی از معضلات زندگی اجتماعی انسان ها، تعارض منافع ایشان است. هر یک از انسان ها، برای انتفاع بردن از حقوق خود، از جمله حق مالکیت خویش، سعی در اعمال آنها ولو با تضييع حقوق ديگران دارد. نمونه‌ی مشهود این روزهای جامعه جهانی، اختلافات مردم با یکدیگر بر سر نگهداری حیوانات در آپارتمان ها و منازلشان است که برگشت این اختلاف به دو قاعده تسلیط و لا ضرر برمی گردد. صاحب حیوان از یک طرف برای اثبات مشروعیت عمل خود، به قاعده تسلیط استناد می کند و طرف دیگر که همسایه‌ی اوست، قائل است به اینکه صاحب حیوان نباید با تصرفات خود موجب اضرار به غیر شود و لذا به قاعده لا ضرر تمسک می کند. این تعارض منافع در قسمت های مشترک آپارتمان، باعث اختلاف چندانی نمی شود و اشخاص با توجه به قواعد و قوانین موجود، یک همزیستی مسالمت آمیز را در کنار هم تجربه می کنند ولی در قسمت های اختصاصی، اختلاف بین اشخاص به روشنی به چشم می خورد و حتی باعث اختلاف بین فقها و حقوقدانان شده است که در حل تعارض موجود بین اشخاص، کدامین یک از قواعد تسلیط یا لا ضرر را جاری و ساری بدانند و در واقع، حق را به صاحب حیوان بدهند و یا این که همسایه را محق بشمارند. مقاله پیش رو، با یک رویکرد تحقیقی - تفصیلی، سعی در پایان دادن به این اختلافات، به وسیله تتبع در کلمات فقها و بررسی قوانین موجود در مسئله دارد و راه حل هایی را پیشنهاد می نماید که اشخاص، هر یک، بتوانند بدون مزاحمت برای سایر افراد، از حقوق مکتسبه خود بهره ببرند و تعارض منافی بین ایشان، رخ ندهد.

واژگان کلیدی: نگهداری حیوانات، قسمت های مشترک آپارتمان، قسمت های اختصاصی آپارتمان، قاعده تسلیط، قاعده لا ضرر

A Jurisprudential and Legal Analysis of Keeping Animals in Apartments with a Comparative Approach to the Laws of Other Countries

Abolfazl Arabzadeh

¹ Department of Judicial Sciences, Faculty of Law and Judicial Sciences,
University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract.

One of the recurring challenges of social life is the conflict of interests among individuals. Every person, in seeking to exercise their rights—including property rights—may act in ways that inadvertently infringe upon the rights of others. A clear contemporary example of such conflict is the growing disputes among residents of apartment complexes regarding the keeping of animals within their private residential units. The root of these disagreements can be traced back to two foundational jurisprudential principles: *the principle of taslīt* (the owner's dominion over property) and *the principle of no-harm) lā ḍarar*. (Animal owners invoke the principle of *taslīt* to justify the legitimacy of keeping pets in their homes, whereas neighbors argue that no individual may exercise proprietary rights in a manner that causes harm or disturbance to others, thereby appealing to the principle of no-harm.

In shared or common areas of an apartment building, this conflict rarely escalates because existing legal rules and cooperative norms typically enable residents to coexist peacefully. However, in private units, disagreements become more evident and have even led to divergent views among jurists and legal scholars regarding which principle should take precedence. The central question is whether the right belongs to the animal owner or whether the neighbor's right to be free from harm prevails. The present article, through a detailed and research-oriented approach, examines classical and contemporary jurisprudential opinions as well as existing statutory rules to provide a rational and balanced resolution to these conflicts. Solutions are proposed that allow each party to enjoy their rightful benefits without infringing upon the rights of others, ensuring that such conflicts of interest can be effectively avoided.

Keywords: keeping animals, shared spaces in apartments, private units in apartments, principle of *taslīt*, principle of no-harm

مقدمه

در شریعت اسلام، حقوق همسایگان از اهمیت بالایی برخوردار است. خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره نساء به مسلمانان دستور می‌دهد که در تعامل با همسایگان خود به نیکی رفتار کنند. این تأکید در بسیاری از روایات نیز به وضوح ذکر شده است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در یکی از احادیث معروف خود می‌فرماید که جبرئیل به ایشان به طور مداوم توصیه می‌کرد که با همسایگان به خوبی رفتار کنند، به حدی که گمان می‌برند به زودی همسایگان از یکدیگر ارث خواهند برد (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق: ۵۲۰). این تأکیدات دینی، اهمیت حفظ حقوق همسایگان در زندگی اجتماعی را نشان می‌دهد.

در راستای این آموزه‌های دینی، قانون‌گذار در بسیاری از کشورهای اسلامی، از جمله ایران، قوانین متنوعی را برای حفظ حقوق همسایگان وضع کرده است. یکی از این قوانین در کشور ما، ماده ۱۳۲ قانون مدنی است که بیان می‌دارد: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که باعث ضرر به همسایه شود، مگر در مواردی که این تصرف به قدر متعارف و برای رفع نیاز یا رفع ضرر از خود باشد». این ماده به وضوح تأکید دارد که باید حقوق همسایگان در تصرفات ملکی رعایت شود و در صورت ایجاد ضرر برای همسایه، این امر تنها در موارد خاص و ضروری مجاز است.

با توجه به ضرورت حفظ یک جامعه مسالمت‌آمیز و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر اعضای جامعه، نیاز به رعایت قوانین و مقررات وجود دارد. این قوانین شامل هم مقررات رسمی و هم عرف‌های اجتماعی می‌شوند. یکی از این مقررات، قوانین مربوط به زندگی در آپارتمان‌ها است. در جوامع امروزی که زندگی‌های آپارتمانی رایج است، تضاد منافع بین همسایگان، به ویژه در مورد نگهداری حیوانات خانگی، به یکی از چالش‌های اساسی تبدیل شده است. این مسئله نه تنها در کشور ما، بلکه در سایر جوامع نیز مطرح است و باعث طرح پرونده‌های متعدد در دادگاه‌ها می‌شود.

نگهداری حیوانات خانگی در آپارتمان‌ها می‌تواند موجب تضاد منافع میان همسایگان شود. این تضاد، به ویژه در شرایطی که با فرهنگ خاص آپارتمان‌نشینی و مقررات آن تعارض دارد، می‌تواند مشکلات زیادی ایجاد کند. در نظام حقوقی کشور ما، این تضاد از طریق قواعد مختلفی همچون قاعده تسلیط و قاعده لا ضرر قابل تحلیل است. طبق این قواعد، حقوق مالک در تصرف ملک باید با رعایت حقوق همسایگان تنظیم شود. به عبارت دیگر، اصل تسلیط مالک در مقابل قاعده لا ضرر همسایه باید با توجه به شرایط خاص، به گونه‌ای تعادل برقرار کند.

هدف مقاله حاضر، بررسی فقهی و قانونی نگهداری حیوانات خانگی در آپارتمان است. این موضوع به ویژه با توجه به تعارض میان قاعده تسلیط و قاعده لا ضرر در فقه اسلامی و همچنین در قوانین کشورها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این تحقیق با استفاده از رویکرد تطبیقی به قوانین کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی، سعی دارد راه‌حل‌های علمی و حقوقی برای این معضل ارائه دهد. امید است که با افزایش آگاهی از حقوق و تکالیف افراد، مشکلات اجتماعی کاهش یابد و پرونده‌های حقوقی در این زمینه به حداقل برسد.

موضوع نگهداری حیوانات در آپارتمان و تعارض منافع ناشی از آن، پیش از این نیز در مقالات مختلف مورد بحث قرار گرفته است. اما آنچه این مقاله را متمایز می‌کند، بررسی دقیق فقهی دو قاعده تسلیط و لا ضرر به عنوان مقدمه‌ای برای حل علمی و عملی این مسئله است. این مقاله همچنین با نگاهی تطبیقی به قوانین کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی، به بررسی راهکارهای حقوقی در این زمینه پرداخته است و می‌تواند منبعی مفید برای حل مسائل مشابه در دیگر جوامع باشد.

روش تحقیق این مقاله، کتابخانه‌ای و مبتنی بر مراجعه به اسناد و منابع دینی، فقهی و حقوقی است. در این تحقیق، ابتدا قواعد تسلیط و لا ضرر از منابع دینی و کتب فقهی استخراج شده و سپس قوانین و اسناد حقوقی کشورهای مختلف در این زمینه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. هدف این تحقیق، ارائه راه‌حل‌های علمی و حقوقی برای حل مسائل مربوط به نگهداری حیوانات در آپارتمان‌ها است.

مبانی نظری

نگهداری حیوانات خانگی و تعارض منافع، تنها مختص به اماکن آپارتمانی نیست، اما به دلیل ویژگی‌های خاص زندگی در این نوع اماکن (نزدیکی و قرابت فیزیکی بین واحدها و همسایگان)، این مسئله به وضوح در آپارتمان‌ها نمود پیدا می‌کند. به همین دلیل، برای بررسی دقیق‌تر موضوع، ابتدا باید تعریف آپارتمان را مشخص کرده و سپس مطالب را حول محور این فضاها بیان کنیم. واژه «آپارتمان» نه فارسی است و نه عربی، بلکه یک واژه لاتین است که معادل فارسی آن «کاشانه» است. در قوانین کشور ما، از جمله قانون تملک آپارتمان‌ها، تعریفی از این واژه به معنای لغوی آن ارائه نشده است. با این حال، می‌توان آپارتمان را به عنوان واحدی مسکونی، اداری یا تجاری که مستقل از واحدهای دیگر است و تمامی واحدها یک ساختمان مادر را تشکیل می‌دهند، تعریف کرد. به عبارت دیگر، آپارتمان واحدی است که جزئی از یک ساختمان بزرگ‌تر بوده و شامل چندین اتاق و قسمت‌های مختلفی همچون آشپزخانه و سرویس بهداشتی است.

پس از تعریف آپارتمان، برای بررسی دقیق‌تر مقررات نگهداری حیوانات در این محیط‌ها، باید به منابع قانونی اصلی این مقررات مراجعه کنیم. مهم‌ترین منابع قانونی مربوط به آپارتمان‌ها، قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۴۳/۱۲/۱۶

مجلس شورای ملی و آیین‌نامه اجرایی آن، که در تاریخ ۱۳۴۷/۰۲/۰۸ توسط هیأت وزیران تصویب شده است، می‌باشد. این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن با اصلاحات و الحاقات مختلف تا تاریخ ۱۳۷۱/۰۱/۳۰ به روزرسانی شده‌اند. در ماده ۱ قانون تملک آپارتمان‌ها آمده است: «مالکیت در آپارتمان‌های مختلف و محل‌های پیشه و سکناى يك ساختمان شامل دو قسمت است: مالکیت قسمت‌های اختصاصی و مالکیت قسمت‌های مشترک». این تقسیم‌بندی، اهمیت زیادی دارد زیرا قبل از بررسی موضوع نگهداری حیوانات، لازم است که شناخت دقیقی از قسمت‌های مشترک و اختصاصی آپارتمان‌ها داشته باشیم.

طبق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تملک آپارتمان‌ها، قسمت‌هایی از بنا که به‌طور اختصاصی برای استفاده يك مالک یا قائم مقام او تعیین شده است، به عنوان قسمت‌های اختصاصی شناخته می‌شود. در ماده ۲ همین آیین‌نامه، قسمت‌های مشترک چنین تعریف شده است: «قسمت‌هایی از ساختمان که حق استفاده از آن منحصر به يك یا چند آپارتمان یا محل پیشه مخصوص نبوده و به کلیه مالکین به نسبت قسمت اختصاصی آنها تعلق می‌گیرد». این قسمت‌ها شامل تمام اجزای ساختمان هستند که برای استفاده عمومی تخصیص داده شده‌اند، مگر آنکه بر اساس عرف محلی، جزء خاصی از آن به يك واحد اختصاص یابد.

برای تعیین مصادیق قسمت‌های مشترک، ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تملک آپارتمان‌ها به تفصیل این قسمت‌ها را معرفی می‌کند. این قسمت‌ها شامل زمین زیر بنا، تأسیسات مشترک مانند چاه آب و پمپ، سیستم‌های حرارت و تهویه، آسانسور، سیستم‌های فاضلاب و لوله‌کشی، درها و پنجره‌ها، راهروها، پله‌ها، بام و سایر تأسیسات عمومی هستند. این قسمت‌ها به‌طور مشترک در اختیار تمامی مالکین قرار دارند و نمی‌توانند به‌طور اختصاصی به يك واحد خاص تعلق داشته باشند.

با توضیح قسمت‌های اختصاصی و مشترک، اکنون باید احکام نگهداری حیوانات در این دو بخش را تفکیک کنیم. ابتدا به بررسی احکام نگهداری حیوانات در قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها می‌پردازیم. به‌طور کلی، نگهداری حیوانات خانگی در این قسمت‌ها باید با رعایت حقوق سایر مالکین و اصول شرعی و قانونی صورت گیرد. در صورتی که نگهداری حیوان در قسمت‌های مشترک باعث ایجاد مزاحمت برای دیگران شود، ممکن است بر اساس قانون و عرف جامعه، این عمل غیرمجاز و مغایر با اصول همزیستی مسالمت‌آمیز شناخته شود. این مسأله نیاز به نظارت دقیق و تنظیم مقررات خاص برای جلوگیری از تضاد منافع در این بخش‌ها دارد.

حکم نگهداری حیوانات در قسمت‌های مشترک آپارتمان

قسمت‌های مشترک، همانطور که از نام آن پیداست، به نوعی قسمت‌های مشاعی هستند که در اصطلاح حقوقی به اموالی اطلاق می‌شود که متعلق به چند مالک باشد. به عبارت ساده‌تر، مال مشاعی به مالی گفته می‌شود که بیش از

یک مالک داشته باشد و هر مالک در کل مال حق تصرف دارد، به طوری که سهم هر یک از مالکان به طور مشخص از هم تفکیک نمی‌شود. به همین دلیل، تصرف در مال مشاعی باید با رعایت حقوق سایر مالکین انجام شود و هر مالک نمی‌تواند به تنهایی در تمام قسمت‌های این مال تصرف کند. بنابراین، لازم است تا احکام تصرف در اموال مشاعی از نظر فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

حکم تصرف در اموال مشاعی

دلیل اول روایت: در یک روایت از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است که: «هر کسی که شریک باشد، بدون اذن شریک خود نمی‌تواند در مال مشترک تصرف کند» (حر عاملی، جلد ۱۶: ۴۰۲). این روایت به وضوح بر لزوم اذن سایر شرکا برای تصرف در مال مشاعی تأکید دارد.

دلیل دوم بناء عقلاء: عقلاء (افراد عاقل و منطقی) می‌گویند که تصرف در مال دیگران ظلم و غصب محسوب می‌شود و جایز نیست. در مورد اموال مشاعی نیز این قاعده صادق است، به این معنی که هیچ مالک نمی‌تواند در سهم دیگران بدون اجازه آن‌ها تصرف کند.

علاوه بر این دلایل، نظرات فقها و نصوص قانونی نیز به این موضوع پرداخته‌اند. به عنوان مثال، مرحوم امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله در مورد تصرف در اموال مشاعی می‌فرماید: «بدون رضایت سایر شرکا، تصرف در مال مشترک جائز نیست» (تحریر الوسیله، ۱/۱۳۹۲: ۶۶۳). همچنین، تبصره ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تملک آپارتمان‌ها نیز این مسئله را به صراحت پیش‌بینی کرده است. این تبصره می‌گوید: «گذاردن میز و صندلی و هر نوع اشیاء دیگر و همچنین نگهداری حیوانات در قسمت‌های مشترک ممنوع است».

با توجه به این دلایل و مؤیدات، به وضوح می‌توان نتیجه گرفت که هیچ شخصی نمی‌تواند حیوانات خود را در قسمت‌های مشاعی آپارتمان نگهداری کند، چرا که این قسمت‌ها در حقیقت اموال مشاعی هستند و تصرف در این اموال بدون رضایت سایر شرکا جایز نیست. تصرف در مال مشاعی بدون اجازه شریک یا شرکای دیگر، نه تنها غیرمجاز است، بلکه موجب ضمان شرعی و قانونی می‌شود که در اینجا به تفصیل به آن پرداخته نمی‌شود.

نگهداری حیوانات در قسمت‌های اختصاصی آپارتمان

اما موضوع نگهداری حیوانات در قسمت‌های اختصاصی آپارتمان، مسأله‌ای متفاوت است. به طور کلی، تصرف در قسمت‌های اختصاصی ملک، اگر به گونه‌ای باشد که به سایرین آسیب نرساند، ممکن است از نظر حقوقی مجاز باشد. با این حال، در این خصوص باید به بررسی دقیق‌تر قواعد فقهی و حقوقی پرداخت. از جمله این قواعد می‌توان

به دو قاعده «تسلیط» و «لا ضرر» اشاره کرد که در ادامه به تفصیل در مورد تعارض این دو قاعده و نحوه تأثیر آن‌ها بر حکم نگهداری حیوانات در قسمت‌های اختصاصی آپارتمان خواهیم پرداخت.

بنابراین، برای رسیدن به حکم دقیق فقهی و قانونی در خصوص نگهداری حیوانات در قسمت‌های اختصاصی، نیازمند بررسی تطبیقی و جامع این دو قاعده هستیم. این بررسی‌ها کمک می‌کند تا مشخص شود که در چه شرایطی نگهداری حیوانات در چنین مکان‌هایی ممکن است از نظر شرعی و قانونی جایز باشد و کدام محدودیت‌ها باید رعایت شود تا تضاد منافع بین مالکین و حقوق همسایگان حفظ گردد.

قاعده تسلیط

قاعده تسلیط به معنای اعطای اختیار به فردی برای تصرف در مال دیگری است. به عبارت ساده‌تر، این قاعده بدین معناست که وقتی مالکیتی به فردی تعلق می‌گیرد، او می‌تواند در مال خود هر گونه تصرفی که مخالف شرع نباشد، انجام دهد. این اصل از حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» که به معنی «افراد بر اموال خود مسلط هستند» گرفته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۱۵۲). بنابراین، اصل تسلیط در فقه و حقوق بدین معناست که هر شخص در اموال خود حق تصرف و استفاده دارد، مگر آنکه قانون شرایط خاصی را برای استثنا کردن از این حق معین کرده باشد.

در قانون مدنی ایران، این اصل به ماده ۳۰ قانون مدنی منتقل شده است که بیان می‌دارد: «هر مالک نسبت به مال خود حق تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد». به این ترتیب، اصل تسلیط به افراد اجازه می‌دهد که در اموال خود تصرف کنند، مشروط بر آنکه این تصرف مخالف قوانین و مقررات نباشد.

قاعده تسلیط از منظر فقهی

برای اثبات وجود قاعده تسلیط در فقه، می‌توان به دلایل مختلفی استناد کرد. این دلایل از منابع فقهی مختلفی استخراج شده‌اند که شامل کتاب (قرآن)، سنت (احادیث)، اجماع و عقل هستند. در اینجا به طور اجمالی، مبانی فقهی قاعده تسلیط را بررسی می‌کنیم و دلایل آن را از منابع مختلف بیان می‌کنیم.

دلیل اول کتاب (قرآن کریم):

در قرآن کریم، اگرچه به طور صریح حکم قاعده تسلیط بیان نشده است، اما می‌توان از آیات مختلف به این نتیجه رسید که انسان‌ها در اموال خود حق تصرف دارند. یکی از گروه‌های آیات قرآن که به موضوع مالکیت پرداخته، آیات مبین مالکیت مطلق و انحصاری خداوند است. در این آیات، مالکیت تمامی موجودات و امور در جهان به خداوند نسبت داده شده است. برای مثال، در آیه ۱۲۰ سوره مائده آمده است: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ»

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ترجمه: «مالکیت آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست فقط در دست خداست و او بر هر چیزی قادر است»).

آیات دیگری نیز وجود دارند که مالکیت انسان بر برخی از اموال خود را تأیید می‌کنند. برای مثال، در سوره یس آیه ۷۱ آمده است: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ» (ترجمه: «آیا نمی‌بینند که ما از آنچه به دست خود آفریده‌ایم چهارپایانی برای آنان خلق کردیم که مالک آنها هستند؟»).

در یک نگاه کلی، می‌توان این آیات را به سه دسته تقسیم کرد:

آیات مبین مالکیت مطلق و انحصاری خداوند: این آیات تأکید دارند که مالکیت حقیقی و مطلق تنها به خداوند تعلق دارد.

آیات مبین مالکیت انسان: در این آیات، مالکیت انسان بر اموال تحت تصرف خود تأکید شده است.

آیات مبین مالکیت استخلافی انسان: این آیات انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خداوند در تصرف و تصرف اموال مخلوقات معرفی می‌کنند.

دلیل دوم سنت: سنت از نظر لغوی به معنای جهت حرکت و یا رسم و آیینی است که از پیشینیان باقی مانده است، ولی در اصطلاح فقه و اصول به معنی قول، فعل و تقریر معصوم به کار می‌رود. در بحث از مبانی فقهی قاعده تسلیط، بیشتر با قسم اول سنت، یعنی روایات مواجه خواهیم بود. از این رو، در اینجا به بررسی برخی از روایات و احادیث معتبر در این زمینه پرداخته می‌شود. البته به علت جلوگیری از اطاله مطلب و خروج از بحث اصلی، فقط به ذکر دو روایت معروف در این حوزه بسنده می‌کنیم.

مشهورترین و معروف‌ترین حدیثی که به عنوان مبناى فقهی قاعده تسلیط مورد استفاده قرار گرفته، روایت «إِنَّ النَّاسَ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» است (علامه مجلسی، ۱۴۰۳/۲ ه. ق، ۲۷۲؛ ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۳/۲ ه. ق: ۱۳۸). این روایت به طور بسیار صریح و روشن، حکم مندرج در قاعده تسلیط را بیان می‌کند و مراتب تسلط و سلطه کامل مالک نسبت به اموالش را توضیح می‌دهد.

گرچه این روایت به عنوان مبناى فقهی معتبر در نظر گرفته می‌شود، از نظر فن درایه، به دلیل اینکه از نوع روایات «مرسله» است، برخی از فقها آن را ضعیف و غیر معتبر می‌دانند. روایات مرسله به دلیل فقدان یکی از حلقه‌های سلسله راویان و عدم اتصال واضح به معصومین، معمولاً از اعتبار کمتری برخوردارند. با این حال، در این مورد خاص، ضعف روایی این حدیث با عمل اصحاب بزرگ امامیه (رضوان الله علیهم) که از فقهای مورد اعتماد و ثقه بودند،

جبران شده است. بنابراین، حدیث تسلیط از قوت و اعتبار کافی برخوردار است و به عنوان یک مسأله مسلم در فقه شناخته می‌شود.

سماعه، یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) است که نقل می‌کند از آن حضرت پرسید: «آیا شخص صاحب اولاد می‌تواند مقداری از اموال خود را به خویشاوند غیر وارث خود واگذار کند؟» حضرت در پاسخ فرمودند: «هو ماله یصنع ما شاء به إلی أن یأتیہ الموت»؛ یعنی مال از آن اوست و تا زمانی که زنده است، می‌تواند هر گونه تصرفی در آن بکند و به هر نحوی که بخواهد، از آن استفاده کند (حر عاملی، ۱۳/۱۳۷۲: ۳۸۱). این روایت نیز به وضوح قاعده تسلیط را تأیید کرده و حق تصرف مال در اختیار صاحب مال قرار می‌دهد.

دلیل سوم اجماع: گرچه علمای اهل سنت، اجماع را به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شرعی می‌شناسند و آن را در کنار کتاب و سنت قرار می‌دهند، در فقه امامیه، اجماع به عنوان منبع مستقل برای استخراج احکام شرعی شناخته نمی‌شود. بلکه اجماع فقط به عنوان کاشف از سنت معصومین (علیهم السلام) معتبر است. در بحث از قاعده تسلیط، اجماع به وضوح نشان‌دهنده تأیید و پذیرش این قاعده توسط فقهای اسلامی است. در فقه امامیه، قاعده تسلیط در بسیاری از مباحث فقهی مورد استناد قرار گرفته و از آن به عنوان یک اصل مسلم استفاده شده است. برای مثال، شیخ الطائفه، شیخ طوسی، در کتاب «خلاف» هنگام بحث از جواز یا عدم جواز «إقراض جواری»، به این قاعده استناد کرده و می‌فرماید: «و أيضاً روى عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم، أنه قال: أُلناس مسلطون على أموالهم» (طوسی، ۱۳۹۴/۳: ۱۷۶-۱۷۷).

دلیل چهارم بنای عقلا: منظور از دلیل عقل در مبنای قاعده تسلیط، ملازمات عقلیه نیست، بلکه مقصود این است که قاعده تسلیط یک قاعده عقلایی است. به عبارت دیگر، قبل از آنکه این قاعده در شرع مطرح شود، به طور طبیعی و عقلایی در جوامع انسانی وجود داشته است. انسان‌ها از ابتدا به طور طبیعی و عقلانی به این نتیجه رسیدند که بر اموال و اشیای خود تسلط داشته باشند و در آن‌ها تصرف کنند. این قاعده در تمام جوامع بشری و در تمام تاریخ جاری بوده است. حتی در جوامعی که مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته نمی‌شود، افراد هنوز هم حق تصرف در اشیای خود را دارند و هیچ فردی اجازه ندارد در اموال آن‌ها تصرف کند. این موضوع در جوامعی که به ایدئولوژی‌های غیر الهی یا حتی سوسیالیستی معتقدند نیز مشاهده می‌شود. این قاعده به قدری بدیهی است که حتی در جوامعی که از مالکیت خصوصی به طور رسمی حمایت نمی‌کنند، افراد هنوز در اشیای خود حق تصرف دارند و این امر در سطح جهانی شناخته شده است. در واقع، این قاعده تسلیط، از نظر عقلانی، به عنوان یک امر طبیعی و مسلم در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و دلایل مختلف فقهی، از جمله قرآن، سنت، اجماع و عقل، قاعده تسلیط به وضوح اثبات می‌شود. این قاعده حاکی از این است که مالکان بر اموال خود حق تصرف دارند و می‌توانند از آن‌ها بهره‌برداری کنند، مشروط بر آنکه این تصرفات مخالف با شرع و قانون نباشد. این قاعده نه تنها مبنای شرعی، بلکه مبنای عقلانی نیز دارد که در جوامع بشری به‌طور طبیعی پذیرفته شده است.

با توجه به مبانی فقهی که در این بحث مطرح شد، می‌توان گفت که قاعده تسلیط به عنوان یک اصل مسلم در فقه و حقوق اسلامی شناخته می‌شود و این اصل، در بسیاری از مسائل حقوقی و فقهی به کار گرفته شده است. اکنون، در ادامه بحث، به بررسی قاعده تسلیط از منظر حقوقی خواهیم پرداخت.

قاعده لا ضرر

قاعده لا ضرر یکی از قواعد اساسی فقه اسلامی است که در منابع دینی، اعم از قرآن و سنت، مستند به دلایل مختلفی می‌باشد. این قاعده به‌طور کلی به معنای این است که هیچ فردی نمی‌تواند اقداماتی انجام دهد که باعث ضرر رساندن به دیگران شود، و در صورتی که چنین اقدامی صورت گیرد، نادرست است. در قرآن مجید و روایات، این قاعده به وضوح آمده است.

یکی از مهم‌ترین دلایل برای قاعده لا ضرر در سنت، جمله نبوی معروف در قضیه سمره بن جندب است که در آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» (شیخ کلینی، ۱۴۰۷/۵ ه.ق: ۲۹۴)، که به معنای این است که هیچ‌گاه ضرر به مومن نباید وارد شود و همچنین نباید در جهت ضرر رساندن به او گام برداشته شود. همچنین در روایت دیگری آمده است که «اذهب فاقلعها و ارم بها إلیه فانه لا ضرر و لا ضرار» (حر عاملی، ۱۷:۳۴۱) که به صراحت بیان می‌دارد هیچ‌گونه ضرر و زبانی نباید به فرد دیگری وارد شود.

در حقوق ایران نیز قاعده لا ضرر در موارد مختلف پیش‌بینی شده است. به‌طور مثال، در اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». این اصل، در واقع اشاره به قاعده لا ضرر دارد که موجب محدودیت قاعده تسلیط می‌شود. همچنین در ماده ۱۳۲ قانون مدنی آمده است: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد».

قاعده لا ضرر در قوانین ایران به صراحت پذیرفته شده است و بدین معنی است که افراد نمی‌توانند در راستای اعمال حقوق خود و به بهانه حق مالکیت، موجب ضرر به دیگران شوند.

تعریف ضرر و ضرار

ضرر: در لغت، ضرر به معنای آسیب، زیان و نقص در حق فرد آمده است. به طور کلی، ضرر معمولاً به معنای زیان مادی یا معنوی است که به کسی وارد می‌شود. در فقه اسلامی، به‌ویژه در قانون مسئولیت مدنی ایران، ضرر به هر نوع خسارت اعم از مادی و معنوی اطلاق می‌شود.

ضرر: ضرر از نظر لغوی به معنای اضرار متقابل است، یعنی زمانی که یک فرد به دیگری ضرر وارد کند بدون آنکه خود نفعی از آن به دست آورد. ابن اثیر در کتاب «نهایه» چهار معنا برای ضرر ذکر کرده است: (۱) مجازات برای ضرر وارد شده از سوی دیگری، (۲) ضرر رساندن متقابل دو نفر به یکدیگر، (۳) ضرر رساندن به دیگری بدون نفع برای خود، و (۴) به معنای تضییق و حرج.

در مجموع، «ضرر» بیشتر در معنای تضییق و سختی و ضرر در معنای آسیب مادی یا معنوی به کار می‌رود.

تعارض قاعده تسلیط و قاعده لا ضرر از منظر فقهی

فقه‌های اسلامی در مقام رفع تعارض بین قاعده تسلیط و قاعده لا ضرر، نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند. این نظرات به چهار دسته تقسیم می‌شوند که هر کدام مبانی خاص خود را دارند. در ادامه به بررسی این چهار نظریه و نحوه برخورد آن‌ها با تعارض بین این دو قاعده خواهیم پرداخت.

نظریه اول: اطلاق حق تسلیط (تقدم قاعده تسلیط بر لا ضرر)

پیرامون این نظریه، فقه‌های شافعی و حنفی معتقدند که قاعده تسلیط به طور مطلق نافذ است و هیچ‌گونه قید و محدودیتی در اعمال حق مالکانه وجود ندارد. به عبارت دیگر، این دسته از فقها معتقدند که هیچ فردی نمی‌تواند از تصرفات مالکانه دیگران جلوگیری کند، حتی اگر این تصرفات به ضرر دیگری منجر شود.

برای مثال، ابوحنیفه می‌گوید که هیچ‌کس نمی‌تواند متعرض کسی شود که در ملک خود تصرف می‌کند، حتی اگر تصرفات او باعث ضرر به همسایه شود. در یکی از مثال‌ها، شخصی از حفر چاه در ملک همسایه‌اش متضرر شده بود و از ابوحنیفه شکایت کرد، ولی ابوحنیفه به استناد اطلاق حق تسلیط، شکایت او را رد کرد و به او پیشنهاد داد که در نزدیکی چاه همسایه خود، چاه دیگری حفر کند. به همین ترتیب، هر دو طرف اقدام به تصرف در ملک خود کرده‌اند و هیچ‌کدام از اعمال آن‌ها منع نشده است.

محمد بن ادریس شافعی در کتاب «الأم» نیز از همین نظر دفاع کرده و می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند آنچه را که بر او واجب نیست، تحمیل کند؛ زیرا هر شخصی در ملک خود مجاز به انواع تصرفات است، حتی اگر این تصرفات به ضرر خود یا شخص دیگری منجر شود» (شافعی، ۱۴۱۰/۳ ه.ق: ۲۵۵).

این دیدگاه در بین فقهای شیعه نیز طرفدارانی دارد. به عنوان مثال، شیخ طوسی در کتاب «مبسوط» به این مسأله اشاره می‌کند که اگر مالک در ملک خود چاهی حفر کند، همسایه او می‌تواند چاه دیگری در نزدیکی چاه اول حفر کند، حتی اگر این کار باعث کاهش آب چاه اول شود (شیخ طوسی، ۱۳۸۷/۳ ه.ق: ۲۷۳).

این دیدگاه به نوعی مشابه با نظریه حقوق فردی در حقوق مدنی فرانسه است، که بر اساس آن آزادی فردی در اعمال حقوق مالکانه، از جمله در رابطه با تصرفات در ملک خود، به عنوان یک اصل ثابت در نظر گرفته می‌شود.

نظریه دوم: منع سوءاستفاده از حق تسلیط

در این نظریه، فقهای مختلف به تفکیک میان مواردی که تصرفات مالک در ملک خود باعث زیان فاحش به دیگران می‌شود و مواردی که چنین اثراتی ندارد، پرداخته‌اند. بر اساس این نظریه، هر چند مالک حق تصرف در ملک خود را دارد (قاعده تسلیط)، اما این حق نباید منجر به ضرر و زیان فاحش به دیگران شود. به عبارت دیگر، در مواقعی که تصرفات مالک منجر به ضرر شدید به همسایه یا دیگران گردد، قاعده لا ضرر مقدم بر قاعده تسلیط خواهد بود.

فقهای این نظریه معتقدند که اعمال حق تسلیط نباید بدون توجه به آثار منفی آن بر دیگران انجام شود. در واقع، اگر نتایج حاصل از اعمال حق مالک به طور آشکار باعث ضرر شدید و غیرقابل تحمل به دیگران شود، حق تسلیط ساقط می‌شود. این دیدگاه مبتنی بر قاعده «درء المفسد اولی من جلب المنافع» است که به معنای این است که از بین بردن فساد و ضرر به طور کلی، بر جلب منافع شخصی مقدم است.

در این نظریه، «مفسده» به زیان فاحش و «منفعت» به سود ناشی از اعمال حق تسلیط اشاره دارد. به طور کلی، در صورتی که زیان حاصل از اعمال حق تسلیط بیشتر از منفعت آن باشد، اعمال این حق ممنوع است. در مذاهب مالکی و حنفی، «زیان فاحش» به معنای هر ضرری است که موجب مختل شدن نیازهای اساسی فرد شود. این زیان شامل مواردی مانند عدم دسترسی به آب یا غذا، آسیب به بناهای دیگران، ایجاد صداهای ناهنجار یا آلودگی هوا است.

فقهای این مذاهب برای زیان فاحش چندین مثال بیان کرده‌اند:

امتناع از دادن غذا و آب به شخصی که نیاز فوری به آن دارد، در حالی که مالک نیاز فوری به آن ندارد. در این حالت، اگر صاحب مال از دادن غذا و آب به فرد نیازمند امتناع ورزد و موجب مرگ او شود، مسئولیت خواهد داشت.

آسیب به بناهای متعلق به غیر، به‌ویژه اگر این آسیب‌ها به‌طور دائم باشد.

ایجاد دود یا صداهای ناهنجار که باعث سلب آسایش دیگران شود.

مانع شدن از ورود نور و هوا به خانه همسایه، که این مورد می‌تواند نیازهای زیستی همسایه را تهدید کند.

این موارد به وضوح نشان می‌دهند که اگر تصرفات مالک موجب مختل شدن نیازهای اساسی انسان‌ها شود، به‌ویژه نیازهایی که برای بقای سلامت و رفاه آنها ضروری است، این تصرفات به‌عنوان زیان فاحش تلقی خواهند شد.

در صورتی که تصرفات مالک در ملک خود تنها به تأثیرات غیر ضروری بر زندگی همسایه‌ها منجر شود، مانند ایجاد مانع در منظر یا دید، این اقدام به‌عنوان ضرر فاحش محسوب نمی‌شود. برای مثال، اگر مالک در ملک خود دیواری بلند بسازد که مانع دید همسایه شود، این اقدام در صورتی که تنها به چشم‌انداز محدود همسایه آسیب بزند، به‌عنوان زیان فاحش شناخته نمی‌شود. این نوع تصرفات به‌طور معمول از دامنه قاعده «لا ضرر» خارج است.

قاعده «درء المفاسد أولى من جلب المنافع» این قاعده، که مبنای این نظریه است، به‌طور کلی نشان می‌دهد که در مواقعی که تعارضی میان جلب منافع فردی و جلوگیری از فساد و ضرر وجود داشته باشد، اولویت با جلوگیری از ضرر است. به این ترتیب، اگر زیان ناشی از اعمال حق تسلیط بر منافع حاصل از آن برتری داشته باشد، حق تسلیط مالکان باید محدود یا ساقط شود.

در نهایت، طبق این نظریه، قاعده «ألجواز الشرعی ینافی الضمان، ما خلا أحوال الضرر الفاحش» (اجازه شرعی، در صورتی که موجب ضرر فاحش نباشد، مخالف ضمانت نیست) به این معنا است که هر چند اعمال حق تسلیط از نظر شرعی مجاز است، اما اگر این اعمال موجب ضرر فاحش به دیگران شود، دیگر نمی‌توان آن را مشروع دانست. بنابراین، در مواردی که ضرر به دیگران بیش از منافع آن است، قاعده «لا ضرر» بر قاعده «تسلیط» مقدم است.

نظریه سوم: منع استفاده از حق تسلیط با قصد اضرار

در این نظریه، به تأکید بر نیت فرد در اعمال حق تسلیط پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، اگر فرد مالک با قصد اضرار به دیگران در ملک خود تصرفی انجام دهد که منجر به ضرر برای دیگران شود، در این حالت اعمال حق تسلیط ممکن است غیرمجاز تلقی شود. این نظریه به‌ویژه در صورتی که نیت فرد بر اساس قصد زیان رساندن به دیگران باشد، در نظر گرفته می‌شود.

ابواسحاق شاطبی، فقیه قرن هشتم هجری، در کتاب «الموافقات» چهار حالت مختلف را برای تصرفات مالک در ملک خود مطرح می‌کند:

حالت اول: تصرفات مالک دارای جواز شرعی بوده و هیچ‌گونه ضرری به غیر وارد نمی‌کند. در این حالت، تعارض بین قاعده تسلیط و قاعده لا ضرر وجود ندارد و اعمال حق تسلیط مجاز است.

حالت دوم: تصرفات مالک مجاز است و قصد زیان رساندن به دیگران ندارد، اما در عمل باعث ضرر به دیگران می‌شود. در این حالت دو فرض وجود دارد:

اگر زیان ناشی از تصرفات جنبه عمومی داشته باشد، مصالح عمومی بر مصالح فردی ترجیح دارد و مالک باید از تصرف خود دست بکشد.

اگر زیان تنها متوجه شخص خاصی باشد، اما جلوگیری از تصرفات مالک به ضرر خود او منجر نشود، در این صورت با توجه به قاعده "درء المفسد أولى من جلب المنافع"، تصرفات مالک فاقد جواز شرعی خواهد بود.

حالت سوم: مالک به قصد اضرار به دیگران تصرفات خود را اعمال می‌کند. در این حالت، با استناد به احادیث «الاعمال بالنیات» و «انما لكل امرء ما نوى»، تصرفات مالک با نیت زیان رساندن به دیگران، به «عمل غیر مباح» تبدیل می‌شود و اعمال حق تسلیط دیگر مشروع نخواهد بود.

حالت چهارم: مالک تصرفاتی انجام می‌دهد که قصد جلب منفعت برای خود و در عین حال اضرار به دیگران دارد. در این حالت، اگر راه دیگری برای جلب منفعت وجود داشته باشد که ضرری به دیگران وارد نکند، باید به قاعده "لا ضرر" و "لا اضرار" عمل کرد و مالک باید از تصرفات خود منصرف شود. اما اگر هیچ راه دیگری برای جلب منفعت وجود نداشته باشد، قاعده «حق من ثبت له الحق مقدم» اعمال خواهد شد و حق تسلیط مالک قابل اجراست.

طبق نظر شاطبی، هیچ مالکیتی مجاز نیست که صرفاً به قصد اضرار به دیگران اعمال شود. این نظر با نظریه‌های جدید حقوقی در مورد سوءاستفاده از حق در بسیاری از سیستم‌های حقوقی مشابه است. از آنجا که قاعده تسلیط نمی‌تواند به زیان دیگران باشد، باید به‌طور خاص بر روی نیت مالک توجه کرد تا مشخص شود که آیا تصرفات او به‌طور عمدی برای ضرر رساندن به دیگران انجام شده است یا خیر.

نظریه سوم با نظریه منع سوءاستفاده از حق تسلیط شباهت‌هایی دارد که در آن‌ها به این نکته اشاره می‌شود که حق تسلیط باید محدود باشد و از آن نباید سوءاستفاده کرد. اما تفاوت اساسی این دو دیدگاه در تعریف «سوءاستفاده» است. در حالی که در نظریه منع سوءاستفاده از حق، بیشتر بر «نتیجه» تصرفات مالک تأکید می‌شود (یعنی اینکه آیا تصرفات به ضرر دیگران منجر می‌شود یا نه)، در این نظریه، «نیت» مالک در نظر گرفته می‌شود و اگر تصرفات او با قصد ضرر رساندن به دیگران انجام شود، به‌عنوان «عمل غیر مباح» تلقی می‌شود.

نظریه چهارم: نظر فقهای امامیه

نظر مشهور فقهای امامیه در مورد تعارض قاعده تسلیط و قاعده لا ضرر تقریباً مشابه با نظرات فقهای اهل سنت است، به ویژه در زمینه تحلیل شرایط مختلف تصرفات مالک. فقهای امامیه، در مورد این تعارض، معتقدند که تصرفات مالک در ملک خود نمی تواند از سه حالت خارج باشد:

برای دفع ضرر: اگر تصرفات مالک به منظور جلوگیری از ضرر به خود یا دیگران باشد، آن تصرفات مجاز است، حتی اگر به ضرر دیگران منجر شود.

برای جلب نفع: تصرفات مالک به منظور جلب منافع شخصی مجاز است، به شرط آنکه منافع حاصل از آن به اندازه کافی بر ضررهای ناشی از آن پیشی بگیرد.

بدون هدف عقلانی (دفع ضرر یا جلب نفع): این تصرفات به دلیل عدم عقلانی بودن آنها باید به قاعده لا ضرر ارجاع داده شود و در صورتی که به ضرر دیگران منجر شود، باید از آن جلوگیری گردد.

در حالت اول و دوم، قاعده تسلیط غالب است، ولی در حالت سوم، که تصرفات غیرعقلانی باشد، قاعده لا ضرر مقدم است. این نگرش نشان دهنده تأکید بر منافع عمومی و عدم ضرر به دیگران در مواجهه با حقوق فردی است.

مطالعه قانونی و تطبیقی تراحم لاضرر و سلطنت

در حقوق ایران، قاعده تسلیط و قاعده لا ضرر هر دو در قوانین اساسی و مدنی پیش بینی شده اند و ممکن است در مواردی تعارض منافع بین این دو قاعده پیش آید. قاعده تسلیط به موجب اصل ۴۷ قانون اساسی و ماده ۳۰ قانون مدنی به مالک این حق را می دهد که هر گونه تصرفی در ملک خود انجام دهد، مگر آنکه این تصرفات با قانون یا حقوق دیگران در تضاد باشد. قاعده لا ضرر نیز در اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی آمده است که تصرفات افراد نباید به ضرر دیگران منجر شود. در چنین مواردی، اگر تصرفات مالک موجب تضییع به دیگران شود، قاعده لا ضرر بر قاعده تسلیط مقدم خواهد بود.

قاعده تسلیط به مالک این حق را می دهد که در مال خود هر گونه تصرفی انجام دهد، به شرط آنکه این تصرفات باعث زیان به دیگران نشود. در صورت ایجاد ضرر برای همسایه یا دیگران، طبق ماده ۱۳۲ قانون مدنی، این تصرفات اصولاً ممنوع است مگر آنکه در حد معقول و برای رفع نیاز یا ضرر شخصی باشد. به عبارت دیگر، تصرفات مالک در ملک خود باید به گونه ای باشد که نه تنها به اندازه متعارف باشد، بلکه برای رفع حاجت یا جلوگیری از ضرر به دیگران باشد.

در صورتی که تصرفات فرد موجب ضرر به دیگران شود و شرایط مذکور در ماده ۱۳۲ قانون مدنی رعایت نشود، قاعده لا ضرر بر قاعده تسلیط مقدم می شود. در این حالت، طبق قاعده "منع اضرار به غیر"، مالکیت خصوصی

محدود به حفظ حقوق دیگران می‌شود و تصرفات مالک که موجب زیان به دیگران است، باید متوقف گردد. این نگرش در راستای حفاظت از مصالح اجتماعی و جلوگیری از تضییع حقوق دیگران است.

در بسیاری از کشورهای دیگر نیز، مشابه با حقوق ایران، محدودیت‌هایی برای اعمال حقوق مالکیت وجود دارد. برای مثال، در ماده ۲ قانون مدنی ترکیه و ماده ۲ قانون مدنی سوئیس آمده است که «هر شهروند باید حقوق خود را بر اساس حسن نیت اعمال کند. سوءاستفاده از حق مورد حمایت قانون قرار نخواهد گرفت». این قوانین نشان‌دهنده این است که در این کشورها نیز اعمال حقوق فردی همچون مالکیت باید با رعایت حقوق دیگران صورت گیرد و هرگونه سوءاستفاده از این حقوق که موجب ضرر به دیگران شود، غیرمجاز است.

این رویکرد مشابه به نظر فقهای شیعه است که معتقدند در صورتی که اعمال حق مالکیت موجب ضرر به دیگران شود، این تصرفات باید محدود و کنترل شود. برخی فقها بر این باورند که تصرفات مالک در صورتی مجاز است که برای رفع نیاز ضروری باشد و همچنین باید به اندازه متعارف باشد. در غیر این صورت، اعمال حق مالکیت نباید موجب ایجاد زیان به دیگران شود.

در نتیجه، در حقوق ایران و دیگر کشورها، قاعده تسلیط، علی‌رغم اینکه به مالک این حق را می‌دهد که در ملک خود تصرف کند، تحت محدودیت‌هایی قرار دارد. این محدودیت‌ها به‌ویژه در صورت تضاد با حقوق دیگران و منافع عمومی، به‌ویژه از طریق قاعده لا ضرر، قابل اعمال است. بنابراین، قانون‌گذاران در کشورهای مختلف سعی کرده‌اند تا حقوق فردی را در چارچوبی معقول و با در نظر گرفتن حقوق دیگران تعریف کنند.

این نظرات و قوانین، نشان‌دهنده تطابق نگرش‌های مختلف در مورد تعارض بین قاعده تسلیط و قاعده لا ضرر است. به‌طور کلی، در صورت تعارض این دو قاعده، توجه به حقوق دیگران و جلوگیری از ضرر به آنها، هم در حقوق ایران و هم در سایر کشورها، بر اعمال مطلق حقوق فردی اولویت دارد.

حکم نگهداری حیوانات در آپارتمان

در فقه اسلامی و حقوق ایران، نگهداری حیوانات در آپارتمان‌ها تحت تاثیر دو قاعده مهم است: قاعده تسلیط و قاعده لا ضرر. طبق مبانی فقهی قاعده تسلیط و اصول ۴۴، ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی و ماده ۳۰ قانون مدنی، افراد می‌توانند حیوانات را نگهداری کنند، زیرا حیوانات به عنوان اموال محسوب می‌شوند و مالک حق تملک آنها را دارد. به همین ترتیب، مالکیت حیوانات همانند دیگر اموال، تحت سلطه مالک قرار دارد. به‌ویژه اینکه در برخی از کشورها، نگهداری حیوانات خانگی به درمان اختلالات روانی و عاطفی افراد کمک می‌کند، به‌طور مثال، اصطلاح Pet Therapy برای درمان افسردگی و مشکلات روحی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در فقه اسلامی نیز، حیوانات به عنوان مال در نظر گرفته می‌شوند. به عنوان نمونه، محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام گریه را به عنوان مال قابل وقف معرفی کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۸/۲ ه.ق: ۱۶۷). همچنین، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در رساله آموزشی خود، به امکان وقف حیوانات اشاره کرده و تأکید کرده‌اند که حیوانات باید قابل تحویل باشند (خامنه‌ای، ۲/ بدون تاریخ: ۲۷۱). این موارد نشان می‌دهند که در فقه و حقوق اسلامی، حیوانات همچنان جزء اموال و تحت مالکیت قرار می‌گیرند.

با این حال، مالکیت حیوانات محدود به شرایطی است که حقوق دیگران را در نظر بگیرد. طبق قاعده لا ضرر و ماده ۱۳۲ قانون مدنی، نگهداری حیوانات در آپارتمان‌ها و مکان‌های مسکونی به شرط آنکه به حقوق همسایگان لطمه وارد نکند، مجاز است. به عبارت دیگر، اگر نگهداری حیوانات موجب مزاحمت یا تضرر همسایگان شود، ممکن است مسئولیت قانونی و کیفری برای صاحب حیوان به دنبال داشته باشد. البته اگر نگهداری حیوانات به منظور رفع حاجت یا درمان مشکل روانی باشد و مزاحمت آن‌ها نیز به اندازه متعارف باشد، قاعده تسلیط بر قاعده لا ضرر مقدم می‌شود.

به طور خاص، مزاحمت‌هایی که حیوانات خانگی می‌توانند ایجاد کنند شامل سر و صدا، بو و مشکلات بهداشتی هستند. ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی به این موارد پرداخته و هرگونه اقدامی که تهدیدی برای بهداشت عمومی باشد، مشمول مجازات قرار می‌دهد. به طور مثال، اگر نگهداری سگ یا حیوانات دیگر به تهدید بهداشتی منجر شود، مانند آلودگی محیط یا ایجاد بیماری، صاحب حیوان مسئول خواهد بود و باید پاسخگوی زیان‌های وارد شده باشد.

در این راستا، دادگاه‌ها برای بررسی مسئولیت قانونی در نگهداری حیوانات، به مستندات از جمله گزارش‌های بهداشتی و شکایات همسایگان توجه می‌کنند. نمونه‌ای از این اقدامات در دو رأی صادره از دادگاه‌ها آمده است. در رأی نخست، یک زن به اتهام تهدید بهداشت عمومی به دلیل نگهداری گریه در منزلش محکوم به جزای نقدی شد. در رأی دوم نیز، فردی به دلیل نگهداری سگ در منزل به پرداخت جزای نقدی محکوم شد. در این موارد، قضات تنها به نگهداری حیوانات توجه نکردند، بلکه تهدید بهداشت عمومی ناشی از نگهداری آن‌ها را مورد بررسی قرار دادند.

نتیجه‌گیری از این آراء نشان می‌دهد که در ایران، همانطور که در حقوق اسلامی مطرح است، نگهداری حیوانات در آپارتمان‌ها بلامانع است مگر آنکه این نگهداری موجب تهدید به بهداشت عمومی یا مزاحمت برای همسایگان شود. در این صورت، قاعده لا ضرر بر قاعده تسلیط مقدم می‌شود و مسئولیت‌های مدنی و کیفری برای صاحب حیوان در نظر گرفته می‌شود.

برای بررسی این موضوع در سایر کشورها، در قانون مدنی ترکیه و سوئیس نیز مشابه این رویکرد دیده می‌شود. در این کشورها، قانون‌گذاران تأکید دارند که افراد باید حقوق خود را با حسن نیت اعمال کنند و هرگونه سوءاستفاده از حقوق، از جمله مالکیت حیوانات، که به حقوق دیگران لطمه وارد کند، مجاز نخواهد بود. این رویکرد مشابه نگرش ایران است که حقوق مالکیت را محدود به رعایت حقوق دیگران می‌کند.

مقررات نگهداری حیوانات در سایر کشورها

کنوانسیون شورای اروپا

کشورهای عضو شورای اروپا در سال ۱۹۸۷، کنوانسیون برای ارتقاء رفاه حیوانات خانگی تصویب کردند که در سال ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا شد. هدف این کنوانسیون حفظ حقوق و رفاه حیوانات است، اما در بندهای ۶ و ۷ مقدمه این کنوانسیون اشاره شده است که افزایش جمعیت حیوانات خانگی می‌تواند تهدیدی برای بهداشت، سلامت و ایمنی انسان‌ها باشد و نگهداری از حیوانات وحشی به عنوان حیوان خانگی نباید تشویق شود. این بندها نشان می‌دهند که حیوانات خانگی می‌توانند تهدیداتی برای افراد ایجاد کنند، بنابراین حقوق همسایگان باید در صورت تعارض با حقوق صاحب حیوان، مقدم باشد.

این کنوانسیون به صراحت تأکید دارد که نگهداری حیوانات خانگی باید به نحوی باشد که به حقوق دیگر افراد آسیب نرساند. اگر نگهداری حیوانات باعث ایجاد مزاحمت یا تهدید بهداشت عمومی شود، اصل لا ضرر بر اصل تسلیط مقدم است. به همین ترتیب، در کشورهای عضو شورای اروپا نیز از این اصل پیروی می‌شود و اگر نگهداری حیوان خانگی مزاحمت‌هایی برای دیگران ایجاد کند، مالک حق ندارد بدون رعایت اصول بهداشتی و اجتماعی، به نگهداری حیوانات در مکان‌های عمومی یا خصوصی خود ادامه دهد.

بخشنامه شهرداری برگریویر

بخشنامه شهرداری برگریویر نیز مقرراتی برای نگهداری حیوانات خانگی در مناطق مختلف، به ویژه در مکان‌های عمومی و خصوصی، وضع کرده است. طبق بند ۵ قسمت ۵ بخشنامه، نگهداری سگ‌های پیت بول تنها در صورتی مجاز است که صاحب آن بالای ۱۸ سال سن داشته باشد، که این خود نشان‌دهنده کنترل دقیق‌تر بر حیوانات خاص است. همچنین، در بند ۱ قسمت ۱۱، از مالکین حیوانات خانگی خواسته شده است که حیوانات خود را به گونه‌ای نگهداری کنند که هیچ مزاحمتی برای آسایش، آرامش یا سکوت دیگر افراد ایجاد نکند. در این بخشنامه، همچنین بر تمیزی محل نگهداری حیوانات تأکید شده است تا مزاحمت عمومی ایجاد نشود.

در بند ۱۲ این بخشنامه، آمده است که اگر حیوان خانگی مزاحمت ایجاد کند، شهرداری می‌تواند از مالک خواسته شود که این مزاحمت را برطرف کند. در این زمینه، بر اساس اصل لا ضرر، اگر حیوانات باعث ایجاد مزاحمت عمومی یا تهدید به بهداشت عمومی شوند، شهرداری اقدام به جلوگیری از ادامه نگهداری آن‌ها می‌کند. همچنین، طبق بند ۱۵ بخشنامه، نگهداری بیش از دو سگ و دو گربه در یک مکان بدون اجازه شهرداری ممنوع است، که نشان می‌دهد نگهداری حیوانات باید تحت نظارت و محدودیت‌های مشخص باشد.

این مقررات به وضوح نشان می‌دهند که حق مالکیت حیوانات تحت تأثیر رعایت حقوق دیگران قرار دارد. همان‌طور که در تبصره ۵ بند ۱ قسمت ۲۱ آمده است، اگر نگهداری سگ‌ها مزاحمت یا تضرری برای همسایگان ایجاد کند، این عمل ممنوع است. بنابراین، اصل تسلیط تا زمانی که اصل لا ضرر نقض نشود، مورد احترام است، اما در صورت ایجاد مزاحمت یا تهدید به بهداشت عمومی، حقوق دیگران بر حق مالکیت مقدم می‌شود.

مقررات کشورهای مختلف، اعم از کنوانسیون شورای اروپا و بخشنامه شهرداری بر گریویر، نشان می‌دهند که در سطح بین‌المللی نیز حقوق مالکیت بر حیوانات خانگی، محدود به حفظ حقوق دیگران است. در این کشورها، همان‌طور که در ایران نیز مشاهده می‌شود، قاعده تسلیط مالک در صورت تعارض با قاعده لا ضرر نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و حقوق دیگران، به‌ویژه بهداشت عمومی و آرامش اجتماعی، بر مالکیت فردی مقدم است. بنابراین، مالکین حیوانات خانگی باید از تصرفاتی که موجب مزاحمت یا تهدید به دیگران می‌شود خودداری کنند و نگهداری حیوانات باید در چهارچوب قوانین بهداشتی و اجتماعی انجام گیرد.

نتیجه گیری

در جوامع امروزی، قوانین شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی حکم می‌کنند که هیچ‌یک از اعمال روزمره افراد نباید مزاحمتی برای همسایگان به وجود آورد. یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر در آپارتمان‌ها مشکل‌ساز شده، نگهداری حیوانات خانگی است. این موضوع همواره موجب اختلاف‌نظرهایی بین افراد شده که گاهی منجر به برهم خوردن آرامش در ساختمان‌ها نیز شده است. نگهداری حیوانات خانگی در آپارتمان‌ها، علاوه بر مشکلات اجتماعی، در سطح جهانی نیز مورد توجه قرار گرفته و کشورهای مختلف قوانین و معاهدات مخصوصی را برای حل این معضل وضع کرده‌اند. طبق مبانی فقهی قاعده تسلیط و ماده ۳۰ قانون مدنی ایران، مالکان حق دارند حیوانات خانگی خود را نگهداری کنند. حیوانات نیز به‌عنوان اموال محسوب می‌شوند و صاحب آن‌ها حق تملک و تصرف در آن‌ها را دارد. بر اساس تعریف مال در حقوق، مال باید مفید بوده و نیازهای مادی یا معنوی فرد را تأمین کند و قابلیت اختصاص یافتن به یک شخص را داشته باشد. حیوانات خانگی مانند گربه و سگ، می‌توانند نیازهای روانی فرد را برطرف کرده و به درمان برخی مشکلات روحی کمک کنند، موضوعی که در علم روانشناسی تحت عنوان

Pet Therapy مطرح شده است. در فقه نیز، حیوانات به عنوان اموال مورد توجه قرار گرفته‌اند. به طور مثال، در کتاب شرایع الاسلام، گریه به عنوان یک مال قابل وقف ذکر شده است. به همین ترتیب، حضرت آیت الله خامنه‌ای در رساله‌ی خود درباره‌ی شرایط مال موقوفه به این موضوع اشاره کرده‌اند که حیوانات باید قابل تحویل باشند تا وقف آن‌ها صحیح باشد. این موارد نشان می‌دهند که حیوانات به عنوان مال شناخته شده و مالکیت آن‌ها تحت سلطه مالک قرار دارد.

با این حال، مالکیت مطلق حیوانات به طور کامل تحت تأثیر قاعده لا ضرر و ماده ۱۳۲ قانون مدنی قرار می‌گیرد. طبق این قوانین، اگر نگهداری حیوانات موجب تضرر به همسایگان شود، باید تصرفات مالک محدود شود. در صورتی که نگهداری حیوان به دیگران ضرر وارد کند، حقوق همسایگان باید بر حقوق مالک مقدم شود. اما اگر تصرفات مالک در حد معقول و برای رفع حاجت باشد، اصل تسلیط بر اصل لا ضرر مقدم است و مالک می‌تواند به نگهداری حیوان خانگی در آپارتمان ادامه دهد. در برخی موارد، نگهداری حیوانات خانگی در آپارتمان‌ها می‌تواند مزاحمت‌هایی برای دیگران ایجاد کند، مانند سر و صدا، بو و تهدیدات بهداشتی. طبق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، هر اقدامی که تهدیدی برای بهداشت عمومی ایجاد کند، ممنوع است. در این زمینه، اگر نگهداری حیواناتی مانند سگ، به تهدید بهداشت عمومی منجر شود، صاحب حیوان ممکن است به مسئولیت مدنی و کیفری محکوم شود. برای جلوگیری از مزاحمت‌های ناشی از نگهداری حیوانات خانگی، راهکارهایی پیشنهاد شده است. یکی از این راهکارها، آموزش و تربیت حیوان است. تربیت صحیح حیوانات از سنین پایین می‌تواند از بروز رفتارهای نامطلوب و ایجاد مزاحمت جلوگیری کند. همچنین، مدیریت صحیح صاحب حیوان نیز مهم است؛ نظارت مداوم بر حیوان و تأمین نیازهای روحی و جسمی آن می‌تواند از مشکلات جلوگیری کند. علاوه بر این، راهکارهای محیطی نظیر نصب پوشش‌های عایق صدا و استفاده از جعبه‌های بهداشتی مخصوص، به کاهش مزاحمت‌ها کمک می‌کند. در نهایت، با رعایت این تدابیر، مالکین حیوانات خانگی می‌توانند از اصل تسلیط خود استفاده کنند و در عین حال حقوق همسایگان را رعایت کرده و مانع بروز مشکلات اجتماعی و حقوقی شوند. همچنین، اگر تصرفات مالک مطابق با قاعده لا ضرر و به اندازه متعارف باشد، هیچ‌گونه مشکلی در نگهداری حیوانات خانگی وجود نخواهد داشت و همگان از منافع و آرامش محیط زندگی بهره‌مند خواهند شد.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

ابن اثیر، مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الکریم الشیبانی الجزری (۱۳۹۹ ه.ق)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، جلد سوم، بیروت: المکتبۃ العلمیۃ

ابن ادریس حلّی، اَبی جعفر مُحَمَّد بن منصور بن أَحمد بن إدْرِیس الحَلّی (۱۴۱۰ ه.ق)، کتاب السرائر، جلد دوم، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی

ابن حزم، أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري (بدون طبعة وبدون تاريخ)، المحلى بالآثار، جلد هفتم، بيروت: دار الفكر

- أحسانى، ابن ابى الجمهور (١٤٠٣ هـ)، عوالى اللئالى العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، جلد دوم، قم: سید الشهداء الأشقودرى الألبانى، محمد ناصر الدین، صحیح الجامع الصغیر و زیاداته، جلد اول، بیروت: المکتب الاسلامی
- انصارى، مرتضى (١٤٢٠ هـ.ق.)، کتاب المکاسب، جلد سوم، چاپ دوم، قم: مجمع الفكر الاسلامی
- بجنوردی، سید حسن (١٣٧٧)، القواعد الفقہیة، جلد اول، چاپ اول، قم: نشر الهادی
- تقى زاده، ابراهیم و سید احمد علی هاشمی (١٣٩٨)، حقوق اموال و مالکیت، چاپ هفتم، تهران: مجد
- توکلی، محمد مهدی، (١٤٠٣)، آموزش جامع حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیست و ششم، تهران: مکتوب آخر
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (١٣٧٤)، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران: گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (١٤٠١)، حقوق اموال، چاپ هشتم، تهران: گنج دانش
- حر عاملی، محمد بن حسن (١٣٧٢)، وسائل الشیعه، جلد دهم، تهران: اسلامیه
- حلی، جعفر بن حسن (١٤٠٨ هـ.ق.)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، جلد دوم، چاپ دوم، قم: موسسه اسماعیلیان
- خامنه ای، سید علی (بدون تاریخ)، رساله‌ی آموزشی ٢ (احکام معاملات)، جلد دوم، تهران: فقه روز وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی
- خمینی، سید روح الله (١٣٩٢)، تحریر الوسیله، جلد اول، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (١٤٠٤ هـ.ق.)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، قم: دفتر نشر کتاب
- الری شهری، محمد (١٤١٦ هـ.ق.)، میزان الحکمه، جلد اول، چاپ اول، قم: دار الحدیث
- شاطبی، ابراهیم بن موسی بن محمد اللخمی الغرناطی (١٤١٧ هـ.ق.)، الموافقات، جلد سوم، چاپ اول، قاهره: دار ابن عفان
- الشافعی، أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطبلی القرشی المکی (١٤١٠ هـ.ق.)، الام، جلد سوم، بیروت: دار المعرفة
- صفائی، سید حسین و سید احسان حسینی (١٤٠٤)، دوره مقدماتی حقوق مدنی اشخاص و اموال، چاپ سی و ششم، تهران: میزان
- الطریحی، فخر الدین (١٣٧٥)، مجمع البحرین، جلد سوم، تهران: مرتضوی
- طوسی، أبو جعفر محمد بن احسن (١٤١٤ هـ.ق.)، الأمالی، چاپ اول، قم: دار الثقافة
- طوسی، أبو جعفر محمد بن الحسن (١٣٩٤)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- طوسی، أبو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن (١٣٨٧ هـ.ق.)، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد سوم، چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریة
- فیروز آبادی الشیرازی، شیخ مجد الدین محمد بن یعقوب (١٤١٥ هـ.ق.)، القاموس المحيط، جلد دوم، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه
- القیومی المقری، احمد بن محمد بن علی (١٤١٨ هـ.ق.)، المصباح المنیر، جلد اول، چاپ دوم، بغداد: المکتبه العصریة
- کاتوزیان، ناصر (١٤٠٣)، دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، چاپ پنجاه و نهم، تهران: میزان
- کرکی، شیخ نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی معروف به محقق ثانی - محقق کرکی - (١٤١٤ هـ.ق.)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد ششم، چاپ دوم، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (١٤٠٧)، الفروع من الکافی، جلد پنجم، تهران: دار الکتب الاسلامیه
- مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ هـ.ق.)، بحار الانوار، جلد دوم، چاپ دوم، بیروت: موسسه الوفاء
- محقق داماد، مصطفی (١٤٠٣)، قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ شصت و هفتم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی
- دادنامه شماره ۱۰۴۱/۲۲۲۱۰۹۲۰۹۹۷، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۵، صادره از شعبه ۲۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران
- دادنامه شماره ۱۰۸۶۶/۱۲۰۱۰۹۹۸۲۱۲۰۹۲، مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۸، صادره از شعبه ۲۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران

Europe Convention to promote the welfare of pet animals.

Municipality circular of Bergvrievier (Public Nuisances and the Keeping of Animals, 2024)

Planiol, Marsel Ferdinand (1931), [Traité élémentaire de droit civil](#), onzième édition, Paris: Librairie du Conseil d'État et de la Société de Législation

References

Qur'an. [in Arabic]

Ibn al-Athir, Majd al-Din Abu al-Sa'adat al-Mubarak ibn Muhammad al-Jazari. (1399 A.H.). *Al-Nihāyah fī Gharīb al-Hadīth wa al-Athar*, Vol. 3, Beirut: Al-Maktabah al-'Ilmiyyah. [in Arabic]

Ibn Idris al-Hilli, Abu Ja'far Muhammad ibn Mansur. (1410 A.H.). *Al-Sarā'ir*, Vol. 2, 2nd Edition, Qom: Islamic Publishing Institute. [in Arabic]

Ibn Hazm al-Andalusi, Abu Muhammad Ali ibn Ahmad. (n.d.). *Al-Muhallā bi al-Āthār*, Vol. 7, Beirut: Dar al-Fikr. [in Arabic]

Ibn Abi al-Jumhur al-Ahsa'i. (1403 A.H.). *'Awālī al-La'ālī al-'Azīziyyah fī al-Ahādīth al-Dīniyyah*, Vol. 2, Qom: Sayyid al-Shuhadā Publishers. [in Arabic]

Al-Albani, Muhammad Nasir al-Din. *Sahih al-Jāmi' al-Saghir wa Ziyādatuhu*, Vol. 1, Beirut: Al-Maktab al-Islami. [in Arabic]

Ansari, Murtada. (1420 A.H.). *Kitāb al-Makāsib*, Vol. 3, 2nd Edition, Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [in Arabic]

Bejnordi, Seyed Hassan. (1998). *Al-Qawā'id al-Fiqhiyyah*, Vol. 1, 1st Edition, Qom: Al-Hadi Publishing. [in Arabic]

Taqizadeh, Ebrahim & Seyed Ahmad-Ali Hashemi. (2019). *Property Law and Ownership*, 7th Edition, Tehran: Majd. [in Persian]

Tavakoli, Mohammad-Mehdi. (2024). *Comprehensive Civil Law Instruction*, Vol. 1, 26th Edition, Tehran: Maktub Akhar. [in Persian]

Jafari-Langaroodi, Mohammad-Jafar. (1995). *Legal Terminology*, 7th Edition, Tehran: Ganj-e Danesh. [in Persian]

Jafari-Langaroodi, Mohammad-Jafar. (2022). *Property Law*, 8th Edition, Tehran: Ganj-e Danesh. [in Persian]

Hurr al-'Amili, Muhammad ibn al-Hasan. (1372 Solar). *Wasā'il al-Shi'ah*, Vol. 10, Tehran: Islamiyyah. [in Arabic]

Al-Hilli, Ja'far ibn al-Hasan. (1408 A.H.). *Sharā'i' al-Islām*, Vol. 2, 2nd Edition, Qom: Isma'iliyan Institute. [in Arabic]

Khomeini, Seyed Ali. (n.d.). *Educational Treatise 2 (Rules of Transactions)*, Vol. 2, Tehran: Feqh-e Ruz – Islamic Revolution Publications. [in Persian]

Khomeini, Seyed Ruhollah. (2013). *Tahrir al-Wasīlah*, Vol. 1, 1st Edition, Tehran: Institute for Compilation & Publication of Imam Khomeini's Works. [in Persian / Arabic]

Raghib al-Isfahani, Husayn ibn Muhammad. (1404 A.H.). *Al-Mufradāt fī Gharīb al-Qur'ān*, 2nd Edition, Qom: Daftar Nashr al-Kitab. [in Arabic]

Al-Ray-Shahri, Muhammad. (1416 A.H.). *Mizān al-Hikmah*, Vol. 1, 1st Edition, Qom: Dar al-Hadith. [in Arabic]

Al-Shatibi, Ibrahim ibn Musa. (1417 A.H.). *Al-Muwāfaqāt*, Vol. 3, 1st Edition, Cairo: Dar Ibn 'Affan. [in Arabic]

Al-Shafi'i, Muhammad ibn Idris. (1410 A.H.). *Al-Umm*, Vol. 3, Beirut: Dar al-Ma'rifah. [in Arabic]

Safaei, Seyed Hossein & Seyed Ehsan Hosseini. (2025). *Introductory Civil Law: Persons and Property*, 36th Edition, Tehran: Mizan. [in Persian]

Al-Tarihi, Fakhr al-Din. (1996). *Majma' al-Bahrayn*, Vol. 3, Tehran: Mortazavi. [in Arabic]

Al-Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn al-Hasan. (1414 A.H.). *Al-Amālī*, 1st Edition, Qom: Dar al-Thaqafah. [in Arabic]

Al-Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn al-Hasan. (1994). *Al-Khilāf*, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]

Al-Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn al-Hasan. (1387 A.H.). Al-Mabsūt fī Fiqh al-Imāmiyyah, Vol. 3, 3rd Edition, Tehran: Al-Maktabah al-Murtadawiyyah. [in Arabic]

Fayruzabadi al-Shirazi, Majd al-Din. (1415 A.H.). Al-Qāmūs al-Muhīt, Vol. 2, 1st Edition, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [in Arabic]

Al-Qayyumi al-Muqri, Ahmad ibn Muhammad. (1418 A.H.). Al-Misbāh al-Munīr, Vol. 1, 2nd Edition, Baghdad: Al-Maktabah al-'Asriyyah. [in Arabic]

Katouzian, Nasser. (2024). Introductory Civil Law: Property and Ownership, 59th Edition, Tehran: Mizan. [in Persian]

Karki, Sheikh Noor al-Din (Muhaqqiq al-Thani). (1414 A.H.). Jāmi' al-Maqāsid, Vol. 6, 2nd Edition, Qom: Āl al-Bayt Institute. [in Arabic]

Kulaini, Abu Ja'far Muhammad ibn Ya'qub. (1407 A.H.). Al-Furū' min al-Kāfi, Vol. 5, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Arabic]

Majlisi, Muhammad Baqir. (1403 A.H.). Bihār al-Anwār, Vol. 2, 2nd Edition, Beirut: Mu'assasat al-Wafā'. [in Arabic]

Muhaqqiq-Damad, Mostafa. (2024). Fiqh Principles (Civil Section), 67th Edition, Tehran: Center for Islamic Studies Publishing. [in Persian]

Judgment No. 9209970222101041, dated 2014/01/15, Tehran Court of Appeal, Branch 21. [in Persian]

Judgment No. 9209982120100866, dated 2016/06/07, Tehran Court of Appeal, Branch 21. [in Persian]

European Convention to Promote the Welfare of Pet Animals.

Bergrievier Municipality Circular. (2024). Public Nuisances and the Keeping of Animals.

Planiol, Marcel Ferdinand. (1931). Traité élémentaire de droit civil, 11th Edition, Paris: Librairie du Conseil d'État et de la Société de Législation. [in French]

منشور شده.